



## The myth of water in folk tales based on the Abu Moslem Nameh and the Geran e Habashi

**Sakine Rasmi\***

Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

**Leila Shahriari**

Student of Ph.D. of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

### Abstract


Folk literature is the best manifestation of archetypes. Folk tales and legends have been told over the centuries in the form of archetypes. The connection of mythology with literature has made it one of the archetypes in literature; one of these archetypes is the myth of water which is considered to be the essence of existence in sacred texts and mythical narrations and all civilizations. The present article analyzes the positive manifestations of Tarsusi (Abu Moslem Name and Geran e Habashi.) The water myth positively indicates fertility and negatively indicates death and nothingness. Maternal interpretations of water symbols with feminine letters are associated with the influence of water in mythological stories with sacred and godly heroes like Abu Moslem and Geran e Habashi. The legendary power of water purification purifies the hero to reach the symbolic paradise which is the beginning of the seven spells of the Geran e Habashi and with the entry of the Geran into the water and her departure from the Solomon garden which is a symbol of paradise can be expressed. However, Abu Moslem Name has a historical aspect and is based on facts, and the dominance of magic in it is very low compared to Joneyd Name and Geran e Habash, but the author has incorporated a few parts of the story into with craft and the mention of spells which is manifested af spells which are manifested by blowing in the spells of witches around the spring.


**Keywords:** Archetype, Myth, Water, Abumoslemnameh, Geranehabashi.

\*Corresponding Author: rasmi1378@yahoo.com

## اسطوره آب در داستان‌های عامیانه با تکیه بر

### ابومسلم‌نامه و قران حبشی

سکینه رسمی  \*\* ID دانشیار، گروه ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

لیلا شهریاری  ID دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

#### چکیده

ادبیات عامیانه، بهترین تجلی‌گاه کهن‌الگوها است. داستان‌ها و افسانه‌های عامیانه طی قرون و اعصار در قالب کهن‌الگوها بیان شده‌اند. پیوند اساطیر با ادبیات سبب نمود بخشی از کهن‌الگوها در ادبیات شده است. یکی از این کهن‌الگوها اسطوره آب است که در متون مقدس و روایات اسطوره‌ای دارای تقدس و در همه تمدن‌ها جوهر هستی انگاشته شده است. مقاله حاضر به تحلیل نموده‌های مثبت اسطوره آب در آثار طرسوسی (ابومسلم‌نامه و قران حبشی) می‌پردازد. آب در وجه مثبت تداعی گر زایش و باروری و در وجه منفی بیانگر مرگ و نیستی است. تفسیرهای مادرانه از نمادهای آب با نام‌های زنانه، با تأثیر آب در داستان‌های اسطوره‌ای با قهرمانان مقدس و خدایگون چون ابومسلم و قران حبشی بی‌ارتباط نیست. قدرت پاک‌سازی افسانه‌ای آب، قهرمان را برای رسیدن به بهشت نمادین تطهیر می‌کند که در آغاز هفت طلسم قران حبشی و با ورود قران به آب و خروج او از باغ سلیمان نبی که نماد بهشت است قابل بیان است. اگرچه ابومسلم‌نامه دارای وجه تاریخی و بر مبنای واقعیات است و غلبه سحر و جادو در آن در مقایسه با قران حبشی بسیار کم‌رنگ است اما نویسنده معدود جای‌هایی از داستان را به جادوگری و ذکر اسحار و اوراد عجین ساخته است که با دمیدن در آب یا ذکر اوراد جادوگران پیرامون چشمه آب نمود یافته است.

کلیدواژه‌ها: کهن‌الگو، اسطوره، آب، ابومسلم‌نامه، قران حبشی.

\*\*نویسنده مسئول: rasmi1378@yahoo.com

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز است.

## مقدمه

داستان‌ها و افسانه‌های عامیانه در طی قرون و اعصار در قالب کهن‌الگوها بیان شده‌اند. «کهن‌الگوها اشکال و قوالی‌به‌شمار می‌روند که بر تصاویر ذهنی خاصی حاکم و غالب می‌شوند؛ اما اشکال و قوالی‌پویا و توانمند که این تصاویر ذهنی را به هیأت مجتمع صورت‌های سازمان‌یافته همچون صور نجومی و فلکی، پیرامون اصول قبلی و مقدم بر تجربه می‌پراکنند و بدین‌گونه آن‌ها را دقیقاً به اساطیر تبدیل می‌کنند.» (باستید، ۱۳۷۰، صص. ۷۱-۷۰) کارل یونگ، کهن‌الگورا «تصاویر نخستین» یا «واحد‌های بنیادی ذهن انسان» می‌نامید. «کهن‌الگوها سازنده و آموزنده به خصوصی ندارند. آن‌ها ممکن است محدود به ایالتی، کشوری یا منطقه‌ای باشند. بعضی از کهن‌الگوها ممکن است جهانی باشند، بعضی از آن‌ها می‌توانند درخاندانی تداوم یابند و شاید بتوان به برخی از کهن‌الگوهای رفتاری طبقاتی نیز اشاره کرد.» (بهار، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۵) به گفته یونگ «ناخودآگاه جمعی که از بخش‌های دیگر روان پیرتر و روزگاردیده‌تر است، زنگ‌های خطر را به صدا درمی‌آورد، پیام‌های خود را به گوش‌های شنوا و چشم‌های بینا می‌رساند، در رؤیاهای ژرف آفرینش‌های والای هنری بازمی‌تابد.» (یاوری، ۱۳۸۶، ص. ۷۵) کهن‌الگوها در صور اساطیر روی می‌نمایند، اساطیری که قدمتی به بلندای تاریخ دارند، تا جایی که گویی اسطوره‌شناسی ظاهراً با بشر همزاد است. کهن‌الگوها در علوم و هنرهای مختلف، از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، نمایش‌نامه‌نویسی، داستان‌نویسی و تحلیل اسطوره‌ها به کار می‌روند. از آنجا که اساطیر نیز با ادبیات پیوند دارند، بخشی از این کهن‌الگوها در ادبیات نمود می‌یابند. یکی از این کهن‌الگوها اسطوره آب است. آب یکی از چهار عنصر اصلی (عناصر اربعه) تشکیل دهنده جهان است که غالباً در متون مقدس و روایات اسطوره‌ای به آن تقدس داده شده است و در همه تمدن‌ها جوهر هستی بوده است. آب در اشکال مختلف آینه عنوان آب اقیانوس شور، آب رودخانه شیرین، یا به عنوان باران - نقش مهمی در اسطوره‌های بشری ایفا کرده است، این امر در اسطوره‌های تمدن‌های باستانی ایران، مصر، بین‌النهرین، هند و چین مشهود است. بعضی از اقوام، منشأ آفرینش را از آب می‌دانند، در اساطیر هند، آب را اصل هستی می‌دانند. «شایگان، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۸۹) در یکی از اسطوره‌های هند، «اولین چیزی که مانا خلق می‌کند، «نارا» یا اقیانوس آغازین است. او در این اقیانوس بذری قرار می‌دهد. از این بذر تخمی زرین پدیدار می‌شود که برهما

درون آن قرار دارد.» (ایونس، ۱۳۸۱، ص. ۵۰) قدیمی‌ترین متن هندی شاعرانه (Rgveda) (حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد) چنین بیان می‌کند: «در آغاز، تاریکی با تاریکی پنهان بود. همه این [جهان] یک اقیانوس شور غیرقابل تشخیص [سالیلا] بود.» این عبارت را متون بعدی ودایی با فرمول اسطوره‌ای به کرات تکرار می‌کنند: «در آغاز فقط اقیانوس شور بود.» (Witzel, 2015, p.18) در اساطیر مصری آمده است که «همه آفرینش در نون نهن بود.» (ایونس، ۱۳۸۵، ص. ۵۳) بنا به باور سومریان «آب همان مادری است که همه چیز از آن آفریده می‌شود.» (فرخی، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۵). اساطیر باستانی مایا، همانطور که در قرن شانزدهم در پوپول پوه<sup>۱</sup> [۱] ثبت شده است، نیز همین مفهوم را منعکس می‌کند: «فقط آسمان به تنهایی آن جاست... فقط دریا به تنهایی در زیر تمام آسمان جمع شده است... هر چیزی که ممکن است وجود داشته باشد، به سادگی وجود ندارد، فقط آب جمع شده، فقط دریای آرام، فقط آن به تنهایی جمع شده است.» (Witzel, 2015, p.18) در اسطوره اینکا با توجه به معنای نام آفریننده «ویراکوچا: کف دریا» چنین برمی‌آید که آفریننده از آب برآمده است. (اورتون، ۱۳۹۰، ص. ۴۳) در اساطیر ویناگو در ویسکانسین آمده است: «پدر ما... شروع به فکر کردن کرد که چه باید بکند و سرانجام شروع به گریه کرد و اشک‌ها جاری شد و... اشک‌هایش... آب‌های کنونی را تشکیل دادند.» (Witzel, 2015, p.18) سایر بومیان آمریکا - البته نه در مورد همه جزئیات - با این اسطوره موافق هستند. مایو کالیفرنیا، با استفاده از موتیفی که در اساطیر سیبری نیز دیده می‌شود، اظهار می‌دارند: «در آغاز... همه چیز تاریک بود و همه جا فقط آب بود. یک قایق شناور آمد... در آن دو نفر بودند.» (همان) در عقاید زردشتی نیز بعد از آسمان، آب یکی از چهار عنصر سازنده جهان نخستین، آفریده مادی توسط اهورامزداست. (ر.ک: به بهار، ۱۳۸۶، ص. ۳۷) در قرآن کریم نیز به این امر که «ذات [همه] موجودات زنده، آب است» اشاره شده است. (سوره نور، آیه ۴۵)

با تکیه بر این که آب اصل آفرینش است و از آن جا که ادبیات عامیانه بهترین تجلی‌گاه کهن‌الگوهاست اسطوره آب به صورت کهن‌الگویی در میان ملل مختلف دیده می‌شود. این مقاله به بررسی اسطوره آب در ادبیات عامیانه با تکیه بر داستان‌های ابوطاهر طرسوسی می‌پردازد.

### پیشینه پژوهش

اگرچه درباره موضوع این مقاله به صورت مستقیم هیچ تحقیقی صورت نگرفته است اما پژوهش‌های متعددی پیرامون اسطوره آب و به صورت تطبیقی انجام شده است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

«بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند (بارانی و همکار، ۱۳۹۲)» تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نمودهای آن در شاهنامه فردوسی بر اساس روش نقد اسطوره‌ای» (قائمی و همکاران، ۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی نقش اسطوره‌ای «آب» در داستان کوراوغلو با شاهنامه فردوسی و روایات شفاهی آن» (رسمی و همکار، ۱۳۹۵)، «ارزش و اهمیت آب در ایران باستان بر پایه اسطوره‌های باستانی و پیشاتاریخی» (فرهمند، ۱۳۸۸)، «کهن نمونه آب و کارکرد آن در اسطوره و حماسه» (شریفیان، و همکار، ۱۳۹۰) «بررسی تطبیقی - ساختاری وضعیت آغازین عالم هستی در اسطوره‌های جهان» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

### روش

این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی اسطوره آب را در ادبیات عامیانه با تکیه بر داستان‌های عامیانه ابوطاهر طرسوسی مورد بررسی قرار می‌دهد. قبل از پرداختن به اصل موضوع معرفی نویسنده ضروری می‌نماید.

### ابوطاهر طرسوسی

ابوطاهر طرسوسی، داستان‌سرای یگانه در ادبیات عامیانه فارسی است که آثار کم‌نظیری آفریده و داستان‌های بی‌شماری به وی نسبت داده شده است؛ اما از این همه اثر، جز شمار معدودی به چاپ نرسیده بلکه می‌توان به جرأت افزود که تمامی آثارش شمارش و شناسایی نیز نشده است؛ ذبیح‌الله صفا، در مقدمه داراب‌نامه از سه کتاب داراب‌نامه، قران حبشی و قهرمان‌نامه نام می‌برد و ابوطاهر را ایرانی‌تبار و فارسی‌زبان نمی‌داند که پس از مهاجرت به ایران، به نقل و فراگیری زبان فارسی و روایات ملی ایرانی پرداخته است. (صفا، ۱۳۴۴، ص. ۲۶) اما با توجه به مضمون داستان‌های ابوطاهر، تردیدی در ملیت ایرانی او نیست، چنان‌که عبدالمحمدآیتی در نقد خویش از داراب‌نامه چنین می‌نویسد: «بسیار بعید می‌نماید که ابوطاهر، مردی که زبان فارسی را چنین شیوا می‌نویسد، بعداً به ایران

مهاجرت کرده، زبان و روایات ملی را فرا گرفته باشد. اما در باب مهاجر بودن اجداد و اسلافش جای شبهه است، چه عشق و علاقه او به ایران و شاهان ایران و یافتن جای پای جمشید و کی خسرو، در اقصی نقاط دریا‌های پرعجایب، و اعتقاد به این که پادشاهان این سرزمین دارای فرّه ایزد هستند، این شبهه را قوی می‌کند و از ارادتی که به زبان دری و پارسی و پهلوی می‌ورزد، گویا از مردم همین خراسان باشد، و انتساب او به طرسوس از قبیل انتساب مولوی به روم است.» (آیتی، ۱۳۴۵، صص. ۴۲۳ - ۴۲۱) بر مبنای این قول و با اندک توجهی به آثار منسوب به ابوطاهر، سستی این پندار که وی عرب تبار است، آشکار می‌شود.

از مجموعه آثار ابوطاهر طرسوسی، آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، دو اثر ابومسلم‌نامه و قران حبشی است. در این داستان‌ها اسطوره آب به صورت‌های مختلفی نمود یافته است که بخشی چون گذر از آب، مادر مثالی، تولد دوباره و ... با ادبیات حماسی و عرفانی مطابقت دارد اما بخشی چون دمیدن ورد در آب و سحر و جادو با آب، خاص ادبیات عامیانه است که در این مقاله به بررسی هر دو وجه آن پرداخته می‌شود:

### مادر مثالی

در فرهنگ‌های مختلف، آب در داستان‌های خلقت به‌عنوان سرچشمه حیات مطرح شده است. طرح آب‌های خلقت به تفسیری مادرانه از نمادهای آب منجر می‌شود. آب ماده است، «بذرها را رشد و چشمه‌ها را می‌جوشاند... چشمه نماد یک تولد مقاومت ناپذیر، یک تولد مداوم است.» (Bachelard, 1983, p. 14).

در بسیاری از فرهنگ‌ها اعتقاد بر این است که زندگی در دریا آغاز شده است، کلمه «دریا» در بسیاری از زبان‌ها زنانه است. نام رودخانه‌های مؤنث که معمولاً به a ختم می‌شود، در سراسر مناطق خانواده زبان‌های هند و اروپایی، از ایسلند تا بنگال یافت می‌شود: سن<sup>۱</sup> در پاریس، تیمز<sup>۲</sup> در جنوب انگلستان، البه<sup>۳</sup> در اروپای مرکزی، سالاس<sup>۴</sup> در گالیسیا، ویسوا یا ویستولا<sup>۵</sup> در لهستان، ولتا<sup>۱</sup> در جمهوری چک، دراوا<sup>۲</sup> در اسلوانی و اتریش، درینا<sup>۳</sup> در

1. Sequana

2. Tamesis

3. Albis

4. Salas

5. Galiza

6. Wistla/Weiche/Vistula

بوسنی، ولگا<sup>۴</sup> در روسیه و گنگ<sup>۵</sup> در هند همه زنانه هستند؛ با این حال، استثنای بسیار کمی از رودخانه‌های هند و اروپایی وجود دارد مانند رون<sup>۶</sup> (رودانوس)، راین<sup>۷</sup> یا رنوس<sup>۸</sup> که از کشورهای سوئیس، آلمان، فرانسه و هلند عبور می‌کند، دانوب<sup>۹</sup> که از جنگل سیاه در آلمان سرچشمه می‌گیرد و در ناحیه دلتای دانوب در کشور رومانی به دریای سیاه می‌ریزد، تیبرس<sup>۱۰</sup> در ایتالیا، پو<sup>۱۱</sup> که بزرگ‌ترین رود ایتالیا است و برهماپوترا<sup>۱۲</sup> که از تبت خارج می‌شود و با آب‌های گنگ در مصبی در ساحل خلیج بنگاله مخلوط می‌گردد، نام‌های مردانه دارند (Witzel, 2015, p. 18). در اساطیر ملل ترک نیز حضور سو آناسی در کنار سو آناسی بیان‌گر الهه‌های آب است. (ر.ک. Karakurt, 2011, pp. 20- 21) زمین ایران باستان، آناهیتا ایزد بانوی نام‌دار و یکی دیگر از مادر-خدایانی است که با صفت «اردوی سوره<sup>۱۳</sup>» به معنای «رود نیرومند» که در آغاز نام رودی اساطیری بوده، شخصیتی خدای گونه پیدا کرد. آناهیتا از نظر واژه‌شناسی، از دو جزء «آن» و «هیتا» تشکیل شده است. «آ-آن» پیشوند نفی‌کننده و «هیتا» به معنی آلوده است، بنابراین آناهیتا یعنی پاک و دور از هرگونه آلودگی. «آناهیتا ایزد بانوی نگهبان آب‌ها و باران‌ها، ایزد پاک، باروری، برکت، عشق و دوستی است که به شکل دوشیزه‌ای زیبا و نمادی از آب و به شکل رودخانه‌ای عظیم توصیف می‌شود.» (بویس، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۶۴) از آن جا که آفرینش هر چیزی بی‌ارتباط با آب نیست و در زایش و باروری، «مظهر و نشانه زن است.» (باشلار، ۱۳۶۴، ص. ۳۳) و به مادر مادرها تعبیر می‌شود پس با عنصر مادینه روان نیز در ارتباط است. (ر.ک: اسنودن، ۱۳۸۹، ص. ۹۲) «آب، سرچشمه و منشأ همه امکانات هستی است. آب مبدأ هر چیز نامتمایز و بالقوه و تجلی کاینات و مخزن همه جرثومه‌هاست؛ رمز جوهر آغازین و اولی

- 
1. Vltava
  2. Drava
  3. Dorinā
  4. Volga
  5. Ganga/Ganges
  6. Rhone
  7. Rhine
  8. Renos
  9. Danube
  10. Tiberis
  11. po
  12. Brahmaputra
  13. Ardi Sur Anahita

است که همه صور از آن زاده می‌شوند و بدان باز می‌گردند.» (الیاده، ۱۳۸۹، ص. ۵) بنابراین می‌توان آب را به عنوان ماده اولیه حیات، در جایگاه مادر فرض نمود که همه چیز از دل آن بیرون آمده است و می‌تواند با ویژگی‌های مثبت و به عنوان حمایت‌گر یا ویژگی‌های منفی مادرانه مطرح شود. آب دریا و رود، انسان را مانند شکم مادر که طفل را در خود نگاه داشته در خود جای می‌دهد و به منزله پلی است که او را به دنیای دیگری می‌برد.

در داستان‌های اسطوره‌ای نظیر ابومسلم‌نامه که قهرمان جنبه تقدس و خدایگونگی دارد آب، مادر مثالی مثبت در نقش حامی قهرمان و نیروهای یاریگر او به فرمان خداوند، به صورت معجزه‌ای، جاری یا خشک می‌شود و قهرمان و یاران او را از مرگ نجات می‌دهد. در ابومسلم‌نامه مادر مثالی آب از دل سنگی می‌جوشد و سپاه سرگشته ابوترابی را نجات می‌دهد، چنان که آمده است: «خمیر گفت: از زیر سرم آواز آب می‌آید... پس سنگ را شکستند و از آن زیر سنگ آب به در آمد به فرمان خدای تعالی؛ و آبی که هزار بار از گلاب صافتر و خوش بوی تر.» (طرسوسی، ۱۳۸۰، ج. ۴، ص. ۵۴۴) یا در جایی دیگر هنگامی که ابومسلم و یارانش در بیابان بی آب و نان، سرگردان بودند و جان بر هلاکت نهاده، ابومسلم صدای آهویی را می‌شنود که در بیابان پیدا می‌شود. «آن آهو به دست اشارت می‌کرد. امیر گفت: البته، هر جا که این آهو می‌رود، آب خواهد بود!» (همان، ج. ۲، ص. ۱۹۴) چنان که بیان شد کهن‌الگوی مادر مثالی آب به صورت امداد غیبی و در نقش یکی از نیروهای یاریگر به صورت مستقیم یا با واسطه نمود می‌یابد تا قهرمان و یارانش را یاری رساند.

### تطهیر در آب جهت ورود به بهشت

یکی از کهن‌الگوهای آب، تطهیر جهت ورود به بهشت است، قدرت پاک‌سازی افسانه‌ای رودخانه‌ها را شاید بتوان به بهترین نحو در جشنواره حمام کومبه ملا نشان داد، که در آن میلیون‌ها زائر هندو هر دوازده سال یک بار در محل تلاقی دو رودخانه عینی گنگ و جومنا<sup>۲</sup> با رود اسطوره‌ای زیرزمینی ساراسواتی<sup>۳</sup> در الله آباد همچنین پرایاگراج گرد هم می‌آیند. این جشنواره با یک فرو رفتن آیینی در آب‌ها مشخص می‌شود، حمام تطهیر به

1.Kumbha Mela

2.Jumna

3.Sarasvati



آن‌ها اجازه می‌دهد پس از مرگ به بهشت بروند. این عقیده دارای ماقبل تاریخ طولانی است. زائران معتقدند که در نقطه تلاقی رودخانه و آسمان، می‌توان عروج را تا بهشت تجربه کرد. در حال حاضر جوینا به دلیل آب‌های تصفیه نشده دهلی و سایر شهرهای بزرگ در بالادست، عملاً یک فاضلاب است، با این وجود، فولکلور محلی، درباره پاکیزگی و تطهیر گنگ همچنان ادامه دارد، مردم در رودخانه با وجود همه زباله‌ها، فاضلاب‌ها و اجساد نیمه سوزانده شده، خود را مطهر می‌کنند، برخی به طور معمول آن را می‌نوشند که این امر بیانگر قدرت اسطوره است. نیروی پاک‌سازی و نجات‌بخش آب در آیین تعمید مسیحی نیز آشکار است؛ صرف نظر از میزان استفاده از آب (غوطه‌ور شدن کامل در آب طبیعی در مقابل برکت ملایم آب مقدس)، غسل تعمید، تعمید یافتگان را، درست مانند حمام هندی در کومبه ملا در مسیری به سوی بهشت قرار می‌دهد.

اسطوره شستشو در آب جهت ورود به بهشت در داستان‌های عامیانه نیز دیده می‌شود. در داستان قران حبشی نیز گذر از آب جهت رسیدن به بهشت اسطوره‌ای مطرح است. چون سپاه ایران بر کیهان شاه کشمیری پیروز شدند و شهر کشمیر را فتح کردند شاه‌زادگان ایرانی را تماشای باغ سلیمان نبی در دل افتاد. قاصدی را نزد قاضی شهر کشمیر فرستادند و از او راه ورود به باغ را جوینا شدند، قاضی از راه آبی رسیدن به باغ، طلسم شدن باغ و مرگ ورود کنندگان به آن خبر داد؛ اما چون قران به میل خود برای شکستن طلسمات باغ وارد این راه آبی می‌شود به سلامت از آن عبور می‌کند. قران نماد سلیمان نبی و باغ با چهل کوشک در آن - که یادآور قلمرو پادشاهی سلیمان است - نمادی از بهشت است و اولین خان قران، گذر از آب است که با شنا کردن و عبور از آن پای به باغ سلیمان یا بهشت نمادین می‌گذارد. این آب طلسم شده که پیش از قران همه را در خود بلعیده، به او قدرت معنوی مضاعف می‌بخشد تا بتواند هفت طلسم باغ سلیمان را پشت سر گذارد. (ر.ک: طرسوسی، ۱۳۹۵، ج. ۲، صص. ۶۶۸-۶۶۵) در واقع، «گذشتن از آب، در اساطیر ایرانی، اهمیت خاصی دارد، زیرا اغلب قهرمانان، پیش از دست یافتن به موقعیتی بزرگ، از آب می‌گذرند» (بهار، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۰) نمودی از تطهیر در آب در ابومسلم‌نامه نیز قابل ذکر است: «ابومسلم در عزیمت به سوی هرات، با پیری سیصد ساله که در صومعه‌ای در بالای کوه و در کنار چشمه‌ای می‌زیست ملاقات می‌کند، پیر از دیدن پیامبر در خواب و آگاه ساختن او از آمدن ابومسلم می‌دهد و او را از دسیسه طعام‌های زهرآلود اهل فاریاب باخبر

می‌سازد. «پس، آن پیر چون این سخن‌ها را به پیش‌امیر ابو مسلم بگفت و آن دعا را به امیر یاد داد، غسل در آن چشمه بکرد دو رکعت نماز بگزارد؛ و سر به سجده نهاد و، در دم، جان را تسلیم کرد.» (طرسوسی، ۱۳۸۰، ج. ۲، ص. ۴۹۰) در ادبیات عرفانی، غسل پیش از مرگ نمودی از تطهیر برای ورود به بهشت است که با علم پیر بر جایگاه برین خود، به این نام تعبیر می‌شود. این تعبیر با وقوف پیر به زمان مرگ خویش نیز در ارتباط است.

### تولد دوباره

آزمون گذر از آب، نمادی از مرگ و تولد دوباره، مردن از صورتی کهنه و زندگی یافتن در صورتی تازه است که در قالب گذر از دریا و رودخانه جلوه‌گر می‌شود و انسانی که از این مرحله می‌گذرد، در حقیقت از زندگی مادی پای به حیات معنوی می‌گذارد. آزمون گذر از آب، از نمودهای کهن‌الگوی «مرگ و تولد دوباره» است که در طی آن «من» انسان که در اعماق تاریخ ضمیر ناخودآگاه هبوط کرده، با گذر از مرحله دشوار و نمادین، ظهور مجدد یا تولدی دوباره را در قالب بازگشتی کمال یافته به خودآگاهی از سر می‌گذراند. در نظریه یونگ، آب و تجلیات آن نظیر دریا، رود، چشمه از کهن‌الگوهای شناخته شده‌ای هستند که بر مفاهیمی چون تولد، مرگ و رستاخیز، رمز و راز روحانی و بی‌کرانگی، بی‌زمانی و ابدیت و ضمیر ناهشیار دلالت می‌کنند.

فرای تصاویر کهن‌الگویی را در دو دسته تصاویر بهشتی و دوزخی قرارداد و آب را یکی از تصاویر بهشتی قلمداد می‌کند و معتقد است: «آب به لحاظ سنتی به اقلیم وجود پایین‌تر از زندگی انسان متعلق است یعنی به مرحله‌ای پس از مرگ معمولی؛ از همین روست که جان انسان به وقت مرگ از آب می‌گذرد یا در آن غرق می‌شود.» (فرای، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۴) در واقع گذر از آب نمادی از حمایت ایزدی از قهرمان ایرانی است. «گذشتن از رودها و دریاها و دست یافتن به آن‌ها یکی از مشکلات همیشگی انسان بوده است و سبب پیدایش اسطوره‌هایی چون خدایان دریاها و ایزدان طوفان و صاعقه، پریان دریایی، اژدهایان و... شده است.» (رستگار فسائی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۴) گذر از آب نوعی غوطه‌وری را نمودار می‌سازد. شخصیت‌های دارای فره با این غوطه‌وری و گذر از آب در واقع دارای حیات و زندگی جدیدی می‌گردند. مهم‌ترین شخصیت فره‌مندی که شاید بتوان عبور او از آب را سرچشمه بقیه گذر از آب‌ها دانست، زرتشت است. رضی روایتی از زراتشت نامه را نقل می‌کند که در آن زرتشت بعد از خوابی که می‌بیند به سمت

رودخانه دانی تی می رود و داخل آن می گردد؛ به این وسیله تن وی پالوده گشته و در واقع با گذر از این رود مقدس است که آمادگی درک بیشتر و شایسته تر حقایق را پیدا می کند؛ و بعد از این عبور است که امشاسپند بهمن، بر وی فرود می آید و او را به درگاه اهورامزدا راهنمایی می کند. (رضی، ۱۳۴۶، ص. ۵۹۸) آخرین بخش جنگ های ابومسلم در کنار رود نیل اتفاق می افتد که خود می تواند نمادی از گذر قهرمان از آب باشد که او را به پیروزی نزدیک می کند اگرچه قهرمان خود از آب گذر نمی کند اما نیروهای یارگیر او که بخشی از وجود قهرمان اند برای کسب پیروزی مجبور به عبور از آب هستند. (ر.ک: طرسوسی، ۱۳۸۰: ج. ۲، صص. ۴۴۴-۴۴۰)

### آب هم حیات بخش وهم ویرانگر

آب به عنوان ماده اولیه حیات، در جایگاه مادر قابل فرض است که همه چیز از دل آن بیرون آمده است و می تواند با ویژگی های مثبت و به عنوان حمایت گر یا ویژگی های منفی مادرانه مطرح شود. «در بسیاری از اساطیر آفرینش در هندوستان و خاور میانه و مصر اسطوره هایی وجود دارند که وجود یک اقیانوس کیهانی را پیش از پیدایش جهان مطرح می کنند.» (هال، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۵) آب هم خاصیت حیات بخشی و هم خاصیت ویرانگری دارد. می توان نقطه مقابل آب های مرگ را آب های زندگی یا آب حیات دانست که زندگی جاودان می بخشد و شامل نیکوکاران می شود؛ پس نمادگرایی آب ها هم بر مرگ و هم بر زادن دلالت دارد. بر مبنای این تعریف، آب در دو معنای مثبت و منفی قابل بررسی است: در وجه مثبت تداعی گر زایش و باروری، یاری رسانی و شوق و مهر مادرانه و در وجه منفی بیانگر مرگ و نیستی. الیاده مفهوم آب های نخستین را با نام شهرهای مهم ملل مرتبط دانسته و بازگشت آن ها به نوعی جهان ماورایی را خاطر نشان می کند؛ او معتقد است هیولای آبی که پیش از آفرینش وجود داشته در عین حال نماد سیر قهقرایی به بی شکلی نیز هست که در پی مرگ می آید. (ر.ک: الیاده، ۱۳۷۵، ص. ۳۴) از نظر کهن الگویی، آب با واژه های دریا و رودخانه نیز تداعی می شود که در این صورت به مفهوم جاودانه شدن است. نظیر آن چه پیشتر در غوطه خوردن قران در آب طلسم شده ذکر شد که با خروج از آب تولدی دوباره می یابد و با نیرویی نو و استقراری مجدد پای به خشکی می گذارد، در این داستان گذر به سلامت قران از آب، اثباتی بر حقانیت اوست چرا که آب او را همان گونه که گرفته باز می گرداند، چنان که پیش از قران کسانی برای اثبات گذر از آب جان

خود را از دست داده بودند. (طرسوسی، ۱۳۹۰، ج. ۲، ص. ۶۸۸) این داستان تداعی کننده شکافته شدن رود نیل برای نجات موسی و غرق شدن فرعون در آن است که آب دو سویه حیات بخشی و پرانگری خود را جلوه می دهد.

## آزمون آب

آزمون گذر از آب از آزمون های رایج اقوام مختلف است. در ماده اول قانون حمواری، آب رود است که در مورد متهم قضاوت می کند؛ اگر غرق شود مجازات خود را می بیند و اگر نجات یابد حقانیتش ثابت می گردد. (رضی، ۱۳۴۶، ص. ۱۳۶۱) همچنین در اقوام اروپایی آزمایش به دو صورت، به وسیله آب و آتش صورت می گرفته است. در آزمون آب که به نام (water ordeals) خوانده می شد، متهم را یا در آب جوشان می انداختند و یا در آب سرد، و این آب بود که حقانیت او را مشخص می ساخت. (همان) انداختن دشمنان در آب نیز به جنبه جاندارانگاری آب اشاره می کند که هر که را بخواهد زنده نگاه داشته یا بیلعد. گذر از آب و افکندن به آب که از آزمون های متداول ایران باستان بوده است از نکات مطرح در ادبیات فارسی است که نشان دیگری از جاندارانگاری آب به شمار می رود. آزمون گذر از آب، شنا در آب، عبور با قایق و کشتی و شست و شوی تن در آب، از آزمون هایی است که قهرمان را به تشریف معنوی نایل می کند. همان طور که پیشتر گفته شد، آب به انسان های نیکوکار آسیبی نمی رساند. به این ترتیب حق با کسی است که بتواند سالم از آب بیرون بیاید. غرق شدن متهمان در آب نشان گناهکاری و نجات و رهایی آنها به منزله بی گناهی بوده است. (ر.ک: ستگار فسائی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۵) آزمون گذر از آب در داستان قرآن حبشی در دو جا نمود می یابد؛ جایی برای اثبات گناهکاری و جایی برای اثبات بی گناهی. آن جا که به دستور کیهان شاه مجرمی را در آب طلسم شده رها می کنند تا آب محک گناهکاری یا بی گناهی زندانی باشد: «...آنکه مرد زندانی دزدی و خونی بفرمود تا بیاوردند، او را نیز در آب انداختند، آن مرد به دو پاره بیرون آمد. آنکه دانستند که در این آب طلسم است» (طرسوسی، ۱۳۹۵، ج. ۲، ص. ۶۶۶) و آن جا که قرآن به میل خود قصد ورود به آب را می کند و شاهزادگان او را از این کار برحذر می دارند اما او قبول نمی کند و می گوید «هرآینه من در این آب روم... و به یاری دادن حق سبحانه و تعالی بیرون آیم.» (همان)

در ابومسلم نامه نیز پس از قتل مروان، ابومسلم در کنار نیل خیمه می‌زند و زن و دختر و لشکریان مروان را پس از قتل عام در نیل می‌اندازد (همان، ۱۳۸۰، ج. ۲، ص. ۴۴۲) این داستان که تمثیلی از غرق شدن فرعونیان در رود نیل است و به جنبه منفی کهن‌الگوی آب و غرق شدن دشمنان پس از مرگ اشاره دارد، شکل مثبت حمایت و انتقال آب را نیز در خود غرق کرده است. امیر قحطبه نیز در جنگی که کنار رود فرات درمی‌گیرد در آب غرق شده و می‌میرد. (همان، ص. ۲۲۴) این کنش نمادی از بیرون راندن همه شرارت‌ها و بدی‌ها به اعماق ناخودآگاه و فراموش کردن آن‌هاست.

### ورد خواندن بر آب

ورد خواندن بر آب یکی از باورها و اعتقاداتی است که در بین ملت‌های مختلف دیده می‌شود. بر مبنای ادعای ماسارو ایموتو، یکی از شبه دانشمندان ژاپنی، انرژی ارتعاشی انسان، افکار، کلمات، ایده‌ها و موسیقی بر ساختار مولکولی آب تأثیر می‌گذارد. به نظر ایموتو آب خاصیت نسخه‌برداری و حفظ اطلاعات را دارد. «در کنار سد فوجی وارا در ژاپن از موبدی شینتو به نام هوکی کاتو درخواست نمودیم اوراد مذهبی بخوانند، او به مدت یک ساعت کنار دریاچه دعا خواند، پانزده دقیقه بعد از دعا تغییراتی در آب به وضوح قابل رؤیت بود، آب زلال و زلاتر می‌شد، بعد از آزمایش معلوم شد بلورهای آب قبل از دعا کج و معیوب و بعد از دعا حالت منظم داشت.» (ایموتو، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۲) ایموتو قدرت کلام و ورد را در آب مورد تأکید قرار می‌دهد. صرف‌نظر از تأیید یا رد نظر ایموتو ورد خواندن بر آب نیز می‌تواند از همین باور سرچشمه گرفته باشد.

اگرچه طبق آنچه پیشتر بیان شد تأثیر ورد بر آب قابل انکار نیست اما در بسیاری از متون ادبیات عامه، تأثیر ورد بر آب با فریب دشمنان ارتباط مستقیم دارد. گاهی جاسوسی با دسیسه‌چینی وارد سپاه دشمن شده پیش از شروع نبرد و به قصد جلب اعتماد سپاهیان دشمن از طریق خواندن اوراد بر آب و ریختن داروی بیهوشی در آن، سبب رهایی یاران خود یا کشتن دشمنان یا گشودن دروازه برای فتح قلعه را هموار می‌سازد. در داستان ابومسلم‌نامه بی‌بی ستی از یاران ابومسلم به قصد آزاد کردن یاران دربند خود به بارگاه نصر سیار وارد می‌شود و خود را مادرخوانده خلیفه می‌نامد و با بیان حکایتی دروغ‌آمیز آنان را بیهوش کرده و با کمک یاران خود سر سپاهیان نصر سیار را بریده و بندیان را از زندان آزاد می‌کند. «بی‌بی ستی حکایت چند خنده‌آمیز بنیاد کرد و می‌گفت در میان حکایت

که: پدرم لشکری بود و شبی چنان یاد دارم که ملکی از آسمان فرود آمد و گفت که این دعا را یاد گیرید و بر آب بخوانید و بخورید تا در هیچ مصاف زخم‌دار نشوید... بی‌بی ستی برخاست و بر لب آب رفت و سبو را پر آب کرد؛ و بیهوش دارو بیست مثقال درو ریخت و بیاورد و بنیاد کرد و چیزی می‌خواند و بر آب می‌دمید. هر کدام را یک جام از آن آب بداد تا بخوردند و سر را به جای پای نهادند. پس یاران در آمدند و همه را سر بریدند.» (طرسوسی، ۱۳۸۰، ج. ۲، صص. ۵۱۱-۵۱۰) این جنبه از اسطوره آب با دسیسه چینی آمیخته است.

### جادوگری با آب

در داستان‌ها، جادوگران می‌توانند افراد را طلسم‌کنند، جادوهای دیگر را خنثی‌کنند و در شکل و ظاهر افراد و اجسام تغییر به وجود بیاورند. در تخیلات داستان‌سرایان، جادوگران معمولاً این کارها را با خواندن ورد، کمک گرفتن از نیروهای فراطبیعی، استفاده ترکیبی از اجسام، یا تهیه آش‌هایی مرموز انجام می‌دهند. در داستان‌ها و افسانه‌ها جادوگران و پریان در کنار چشمه‌ها ظاهر می‌شوند.

اگرچه ابومسلم‌نامه کتابی است که بر اساس واقعیات تاریخی نگاشته شده است و تأثیر شگرف و یژگی‌های ادبیات عامیانه و غلبه سحر و جادو در آن بسیار کم‌رنگ است اما در معدود جای‌هایی نویسنده قسمت‌هایی از داستان را با جادوگری و ذکر اسحار و اوراد عجیب ساخته است. یکی از این داستان‌ها، نبرد ابومسلم با سیار اسلم است.

سیار اسلم که از شکست خود در مقابل ابومسلم یقین داشت چهار جادوگر زن را بر سر چشمه‌ای گماشته بود تا با ایجاد برف و باران و دمه، سپاهیان ابومسلم به شکست تن دهند. چون دو تن از یاران ابومسلم به جایی که باد و دمه از آن جا می‌وزید می‌روند. «بر سر چشمه‌ای، دیدند که آنجا چهار دختر به گرد آن چشمه می‌گردیدند و چیزی می‌خواندند. پس ایشان دو تیر بینداختند و دو دختر را بکشتند و دو دیگر را بگرفتند... و آن برف و سرما در حال آخر گردید.» (همان، ص. ۵۱۸) اگرچه به طور مستقیم به نقش چشمه در این جادوگری اشاره نشده است اما چرخیدن جادوگران به گرد آب با جادوگری و اسطوره آب مرتبط است.

### دیدن باراندر خواب و تعبیر آن

بشر همیشه به تعبیر و تفسیر رویا اعتقاد داشته، اما از قرن نوزدهم به بعد خواب و تعبیر آن به شکل جدی‌تری وارد برنامه‌های روانکاوان شد و با استفاده از رویاهای فرد بیمار، سعی در پیدا کردن مشکل و درمان آن کردند.

از دیدگاه یونگ عقده‌های سرکوب شده به شکل رویاها بروز می‌کنند. شکل بازمانده‌ای از شیوه باستانی اندیشه با زبان رویاها در ارتباط است از این رو رویاها را نیز به تعبیری می‌توان نوعی کهن‌الگو به شمار آورد.

بنا به باورهای خرافی همه اعصار و نژادها، رویا همچون پیشگویی راستگو پنداشته می‌شده است؛ از این رو انتظار داریم هر چیزی را که در زندگی ما حائز اهمیت است در رویا بیابیم. رویاها در دو سطح «کوچک» و «بزرگ» یا «معنی‌دار» قابل بررسی‌اند، رویاهای معنادار از ناخودآگاه شخصی که سطحی ژرف‌تر از خودآگاهی است نشأت می‌گیرند. (ر.ک: یونگ، ۱۳۸۵، صص. ۱۰۰ - ۲۰) آنچه در سیر فرایند فردیت یک قهرمان قدسی چشمگیر است نوع رویاهای اوست که همواره از نوع رویاهای معنی‌دار و قابل تعبیر است. در بررسی نوع رویاهای قهرمانان داستان‌های طرسوسی یعنی ابومسلم و قران، خواب‌های ابومسلم به دلیل روان قدسی و دینی وصحت تعبیر رویاها قابل تعمق‌اند. اگرچه شخصیت قران حبشی به دلیل این که نمادی از سلیمان نبی است با ابومسلم قابل مقایسه است اما نمود خواب در داستان قران حبشی بسیار کم‌رنگ است. خواب ابومسلم در باریدن باران، جاری شدن سیل و گرفتار شدن او و یارانش در بیابان خوارزم و تعبیر خواب او در یافتن آب از جمله این خواب‌هاست. (ر.ک: طرسوسی، ۱۳۸۰، ج. ۲، صص. ۱۸۴ - ۱۷۹) که در آن به ارتباط خواب و اسطوره آب اشاره شده است.

## نتیجه‌گیری

کهن‌الگوها در صور اساطیر که قدمتی به بلندای تاریخ دارند روی می‌نمایند. اسطوره آب از انواع کهن‌الگوها نقش مهمی در اسطوره‌های بشری ایفا می‌کند. نقش آب در اسطوره‌های تمدن‌های باستانی ایران، مصر، بین‌النهرین، هند و چین مشهود است. این مقاله به بررسی اسطوره آب در آثار طرسوسی پرداخته و از آن جا که این اسطوره در آثار طرسوسی (ابومسلم‌نامه و قران حبشی) به صورت‌های مختلف نمود یافته است بخشی از تحلیل اسطوره آب چون گذر از آب، مادر مثالی و تولد دوباره، رؤیا و تعبیر و خواب با ادبیات حماسی و عرفانی این داستان‌ها مطابقت می‌کند لیکن بخشی دیگر چون دمیدن ورد در آب و جادو در آب، خاص ادبیات عامیانه است.

## پانویس

[۱] پوپول ووه به زبان کیچه‌ای مدرن: پوپول ووج، مجموعه‌ای از روایات و متون اسطوره‌ای - تاریخی، مربوط به پادشاهی کیچه، واقع در ارتفاعات غرب گواتمالا، در دوران پس از دوره کلاسیک (دوران پسا کلاسیک) است. عنوان این کتاب را می‌توان به صورت «کتاب اجتماع»، «کتاب مشاوره»، یا به صورت «کتاب بوریا» که بیشتر به معنای واقعی کلمه پوپول ووه نزدیک است، ترجمه نمود.

[۲] جلد اول ابومسلم‌نامه، یعنی جنیدنامه به روایت ابو حفص کوفی، به شرح پهلوانی‌های جد ابومسلم، جنید، و ماجرای عشق او به رشیده و سرگشتگی‌های این دو و کامیابی نهایی آن‌ها می‌پردازد که با تولد اسد، پدر ابومسلم به پایان می‌رسد و سه جلد دیگر ابومسلم‌نامه، شرح رشادت‌های ابومسلم و یارانش با حمایت معنوی امام باقر با مروان در خونخواهی امام حسین است. اثر دیگر ابوطاهر طرسوسی، قران حبشی است. قران که از سرزمین خود، حبشه گریخته و به خدمت همای، وزیر قبادشاه ایرانی درآمده تلاش می‌کند تا ایرج شاه را در ازدواج با شمسه، دختر شاه چین، یاری رساند. داستان قران حبشی در میان جنگ‌ها و نبردها، به ورود قران به باغ سلیمان نبی که نمادی از بهشت موعود است، برابری مقام او با سلیمان و هفت طلسم او برای رهایی موجودات به بند کشیده شده می‌پردازد.



## ORCID

Sakine rasmi  <https://orcid.org/0000-0002-8072-8733>

Leila Shahriari  <https://orcid.org/0000-0003-1749-1366>

## منابع

### قران کریم

- آیتی، عبدالحمید. (۱۳۴۵). *راهنمای کتاب*، سال نهم، شماره چهار.
- اسنودن، روت. (۱۳۹۲). *خودآموز یونگ*، ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران: آشیان.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۹). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. چاپ چهارم. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). *مقدس و نامقدس*، ترجمه م. نصرالله زنگویی، تهران: سروش.
- اورتون، گری. (۱۳۹۰). *اسطوره‌های اینکا*. ترجمه عباس مخبر. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- ایموتو، موسارو. (۱۳۸۵). *پیام‌های نهفته در آب*، ترجمه نفیسه معتکف، تهران: جیحون.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۸۵). *اساطیر مصر*، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *اساطیر هند*، ترجمه ی محمدحسین باجلان فرخی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- باجلان فرخی، محمدحسین. (۱۳۵۸). «آفرینش جهان در اساطیر سومر»، کتاب جمعه، ش. ۹، صص ۱۴۰ تا ۱۵۱.
- بارانی، محمد و خانی سومار، احسان. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند»، *مطالعات شبه قاره*، شماره ۱۷، صص. ۷-۲۶.
- باستید، روژه. (۱۳۷۰). *دانش اساطیر*، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۶). *پژوهشی در اساطیر ایران*، چاپ ششم، تهران، نشر آگاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران: فکر روز.
- باشلار، گاستون. (۱۳۶۴). *روانکاوی آتش*، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
- رستگار فسایی، منصور. (1393). *پیکرگردانی در اساطیر*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رسمی، سکینه و رسمی، عاتکه. (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی نقش اسطوره‌ای «آب» در داستان کوراوغلو با شاهنامه فردوسی و روایات شفاهی آن*، *کهن‌نامه ادب فارسی*، شماره ۲، صص. ۵۱-۷۷.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). *فرهنگ نام‌های اوستا*، تهران: فروهر.

شایگان، داریوش. (۱۳۸۹). *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.  
شریفیان، مهدی و اتونی، بهزاد. (۱۳۹۰). «کهن‌نمونه آب و کارکرد آن در اسطوره و حماسه»،  
*زبان و ادب فارسی*، شماره ۹، صص. ۱۰۷ - ۱۳۰.  
صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۴۴). *درب‌نامه*، جلد اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
طرسوسی، ابوظاهر. (۱۳۸۰). *ابومسلم‌نامه*، به اهتمام اسماعیلی، حسین، تهران: معین، چاپ اول.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *قران حبشی*، به اهتمام میلاد جعفرپور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فرای، نورترپ. (۱۳۷۷). *تحلیل نقد*، ترجمه صالح حسینی، تهران: نیلوفر.  
فرهمند، غلامرضا. (۱۳۸۸). «ارزش و اهمیت آب در ایران باستان بر پایه اسطوره‌های باستانی و پیشاتاریخی»، *مسکویه*، شماره ۱۲، صص. ۳۵ - ۶۴.  
قائمی، فرزاد و گرگیچ، جلال‌الدین. (۱۳۹۲). «بررسی پیوند میان جنبه‌های انسانی و فراطبیعی اژدهای «گندرو» بر مبنای ارتباط این اژدها با اسطوره آب»، *جستارهای نوین ادبی*، شماره ۲، صص ۲۹ - ۵۰.  
هال، کالوین اس، و نوردبای، ورنون جی، (۱۳۸۹). *مبانی روانشناسی تحلیلی یونگ*، ترجمه محمد حسین مقبل، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.  
یاوری، حورا (۱۳۸۶). *روانکاوی و ادبیات*، (دو متن، دو انسان، دو جهان)، تهران: سخن.  
یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۵). *روایها*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: کاروان.

## References

- Bachelard, G. 1942 *Water and dreams: an essay on the material imagination*.  
Translated from original (1942) by E.R. Farrell. Dalla, TX: The Dallas  
Institute of Humanities and Culture. 21.
- Karakurt, Deniz, Agustos, m 2011, *Türk Söylence Sözlüğü, Agıklamalı  
ansiklpedik mitoloji sözlüğü*, Türkiye.
- Witzel, Michael, *Water in Mythology*. *Daedalus* (2015) 144 (3): 18–26.

- Ayati, Abdul Hamid. (1966). *Book Guide*. Ninth year, Number four. [In Persian]
- Bachelard, Gaston. (1985). *Psychoanalysis of Fire*. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Toos. [In Persian]
- Bahar, Mehrdad. (2007). *A Research in Iranian Mythology. 6th edition*. Tehran: Aghah Publishing. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (1994). *A few Essays on Iranian Culture*. Tehran: Fekr Rooz. [In Persian]
- Bajlan Farrokhi., Mohammad Hossein. (1979). "The Creation of the World in Sumerian Mythology". Friday Book, Volume 9, pp. 140-151. [In Persian]
- Barani, Mohammad., Khani Sumar, Ehsan. (2013). "Comparative study of water myth in Iranian and Indian mythology". Subcontinental Studies, No. 17, pp. 7-26. [In Persian]
- Bastide, Roger. (1991). *Knowledge of Mythology*. Translated by Jalal Sattari, Tehran: Toos. [In Persian]
- Eliade, Mircea. (2010). *Treatise on the History of Religions*. Translated by Jalal Sattari. Fourth edition. Tehran: Soroush. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (1996). *The Sacred and the Profane*. Translated by M. Nasrallah Zangouyi. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Emoto, Masaru. (2006). *The Hidden Message in Water*. Translated by Nafisa Motakif. Tehran: Jeyhoon. [In Persian]
- Evans, Veronica. (2006). *The mythology of Egypt*. Translated by Mohammad Hossein Bajlan Farrokhi. Second edition. Tehran: Asatir Publishing House. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2002). *The mythology of India*. Translated by Mohammad Hossein Bajlan Farrokhi. Second edition. Tehran: Asatir Publishing House. [In Persian]
- Farahmand, Gholamreza. (2009). "The Value and Importance of Water in Ancient Iran based on Ancient and Prehistoric Myths". Moskviyeh, No. 12. pp. 35-64. [In Persian]
- Fry, Northrop. (1998). *Critical Analysis*. Translated by Saleh Hosseini. Tehran: Nilofar. [In Persian]
- Ghaemi, Farzad., Gorgij, Jalaluddin. (2013). "Investigation of the Connection between the Human and Supernatural Aspects of the Dragon "Gandro" based on the Connection between this Dragon and the Water myth". Gostarhay e Novin Adabi. No. 2, pp. 29-50. [In Persian]
- Hall, Calvin S., and Nordby, Vernon J. (2010). *Fundamentals of Jung's Analytical Psychology*. Translated by Mohammad Hossein Moqbel. Tehran: Jihad University Press. [In Persian]
- Jung, Carl Gustav. (2006). *Dreams*. Translated by Abulqasem Esmailpour. Tehran: Karvan. [In Persian]

- Rasmi, Sakineh., Rasmi, Ateke. (2015). *A comparative Study of the Mythical Role of "Water" in the Story of Kuroglu with Ferdowsi's Shahnameh and its Oral Traditions*. Persian Literature Chronicle, No. 2, pp. 51-77. [In Persian]
- Rastgar Fasai, Mansour. (2013). *Personification in Mythology*. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Razi, Hashem. (1985). *Avesta Names Dictionary*. Tehran: Foruhar. [In Persian]
- Safa, Zabih Allah. (1965). *DarabNameh*, First volume. Tehran: Book Translation and Publishing Company. Shaygan, Dariush. (2010). *Religions and Philosophical Schools of India*. 7th edition. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Sharifian, Mehdi and Atoni, Behzad. (2011). "The Archetype of Water and its Function in Myth and Epic". Persian Language and Literature. Number 9. pp. 107-130.[In Persian]
- Shaygan, Dariush. (2010). *Religions and Philosophical Schools of India*. 7th edition. Tehran: Amir Kabir.
- Snowden, Ruth. (2013). *Self-Study of Jung*. Translated by Nooruddin Rahmanian. Tehran: Ashian. [In Persian]
- Tarsousi, Abu Taher. (2001). *AbuMuslimNameh*. By the Efforts of Esmaili, Hossein. Tehran: Moin. First Edition. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2016). *The Qeran e Habashi*. By Milad Jafarpour. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Urton, Gary. (2011). *Inca Myths: The Legendary Past*. Translated by Abbas Mokhber. Second edition. Tehran: Central. [In Persian]
- Yavari, Huora. (2007). *Psychoanalysis and Literature (two texts, two people, two worlds)*. Tehran: Sokhn. [In Persian]